تداوم گلایه چهره‌های برجسته علوم انسانی از برخورد با مأمن اندیشه

تلاش برای حفظ خانه اندیشمندان

شرق: جمعه‌شب چهارمین شبی بود که برخی از مدیران خانه اندیشمندان علوم انسانی برای نگه‌داشتن خانه پارک ورشو شب را در ساختمان صبح کردند. یکی از مدیران در صفحه شخصی‌اش در اینستاگرام نوشته بود: «چهارمین شب مقاومت».

از زمانی که مدیران شهرداری به ساختمان آمدند و از کارکنان این ساختمان خواستند وسایل شخصی‌شان را بردارند و قفل برخی از اتاق‌ها را عوض کردند، این نگرانی وجود دارد که بازگشت دوباره به این ساختمان سخت باشد. حالا اتاق‌هایی که قفل‌های‌شان تغییر کرده، درهایشان بسته است.

معاون فرهنگی و اجتماعی شهردار تهران تأکید دارد که هدف ورود آنها به این ساختمان پلمب نبوده و می‌خواهند فضاهایی از این ساختمان را که به اعتقاد آنها بی‌استفاده مانده و رها شده است، در اختیار سایر انجمن‌ها و گروه‌های فعال در این حوزه قرار دهند.

او در نامه‌ای به بخش حقوقی شهرداری درخواست کرده از رسانه‌هایی که خبر پلمب را داده‌اند، شکایت کند؛ اما مشخص نیست چرا از همان ابتدا از راه قانون برای بازپس‌گیری این ملک استفاده نکرده‌اند. او در نامه‌اش به مرکز حقوقی، حضور مدیر دفتر مطالعات را در راستای بازدیدهای دوره‌ای توصیف کرده؛ اما به گفته کارکنان خانه اندیشمندان، مدیر این دفتر چند روزی است که در این ساختمان حضور دارد و حتی حکم قانونی و حضور پلیس ۱۱۰ هم سبب خروج او و نیروهای شهرداری از این ساختمان نشده است.

مدیران خانه اندیشمندان در این چند روز واکنشی رسمی درباره اتفاقات اخیر نشان نداده بودند؛ اما روز گذشته روابط‌عمومی خانه اندیشمندان علوم انسانی، در پی مشکلات پیش‌آمده اخیر که از طرف عوامل شهرداری تهران برای این مجموعه ایجاد شده، بیانیه‌ای صادر کرد.

در ابتدای این بیانیه از حمایت‌های گسترده فرهیختگان و صاحب‌نظران عرصه‌های علمی و فرهنگی و اصحاب رسانه قدردانی شده و در ادامه تأکید شده خانه اندیشمندان علوم انسانی در طول ۱۲ سال فعالیت خود از هیچ کوششی برای ایجاد زمینه مناسب گفت‌وگو، نقد و نظر و تعامل منطقی و عالمانه از طریق برگزاری برنامه‌های علمی و فرهنگی به‌ویژه تجلیل و تکریم مقام شامخ پیش‌کسوتان و صاحب‌نظران و استادان برجسته علوم انسانی دریغ نکرده و مفتخر است در این سال‌ها حدود سه هزار برنامه علمی و فرهنگی برای مخاطبان فرهیخته خود طراحی و اجرا کرده است.

در ادامه این بیانیه آمده: متأسفانه در روزهای اخیر با اقدام غیرمسئولانه و تعجب‌برانگیز مدیرانی از شهرداری تهران برای تصرف این مجموعه که با ورود نامتناسب با شأن خانه اندیشمندان و تغییر نگهبانان و تعویض قفل اتاق مدیریت و کارکنان آغاز شد، مسائل ناخوشایندی پیش آمد که لازم است برای تنویر افکار عمومی توضیحات مختصری داده شود.

در ادامه توضیح داده شده است: مؤسسه فرهنگی خانه اندیشمندان علوم انسانی دارای مجوز رسمی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است و هویت این شخصیت حقوقی از مکان و محل استقرار یعنی ساختمان واقع در بوستان ورشو که تحت مالکیت شهرداری تهران است، باید تفکیک شود؛ بنابراین ضمن تصریح بر بهره‌مندی خانه از حمایت‌های شورای شهر و شهرداری در طول سال‌های گذشته، اعلام می‌داریم شهرداری تهران مالک خانه اندیشمندان علوم انسانی نیست. همچنین خانه اندیشمندان علوم انسانی در ۱۲ سال گذشته و در دوره‌های مختلف مدیریت شهری، همواره برای رفع موانع و پیشبرد اهداف علمی‌اش با اعضای شورای شهر و مدیران ارشد شهرداری و دیگر نهادهای کشوری تعامل و تعاطی داشته و از ظرفیت عظیم و گسترده استادان و صاحب‌نظران علوم انسانی و اجتماعی برای کمک به حل مشکلات مبتلابه شهر تهران و ایران اسلامی استفاده کرده است.

در بند سه این بیانیه به جزئیات حادثه روز سه‌شنبه هفته گذشته اشاره شده و آمده است: متأسفانه روز سه‌شنبه هفته گذشته، در کمال تعجب و ناباوری، مأموران شهرداری تهران با بهره‌گیری از عوامل انضباط شهری غافلگیرانه اقدام به تصرف غیرقانونی خانه اندیشمندان علوم انسانی کردند. در واکنش به این اقدام عجولانه پیگیری‌های گسترده‌ای برای حل مشکل به عمل آمد؛ اما متأسفانه نتیجه‌ای حاصل نشد. به همین دلیل موضوع از طریق مراجع ذی‌صلاح قضائی پیگیری و منجر به صدور دستور موقت شد. با وجود صدور دستور موقت و حضور نیروهای انتظامی در خانه اندیشمندان، عوامل شهرداری از اجرای حکم استنکاف کرده و تا این لحظه وضعیت به روال سابق برنگشته است.

همچنین در روزهای گذشته برخی اتهامات غیرمنصفانه و به دور از واقعیت به خانه اندیشمندان علوم انسانی نسبت داده شد که در چند روز آینده به تفصیل به تک‌تک آنها پاسخ مستدل داده می‌شود. به‌طور هم‌زمان رایزنی با دلسوزان کشور و نیز پیگیری‌های حقوقی انجام می‌شود و نتایج متعاقبا به اطلاع خواهد رسید.

در ادامه از شورای شهر تهران و سایر شخصیت‌های حقوقی و حقیقی درخواست کمک و حمایت برای ادامه حیات علمی و فرهنگی این مجموعه شده است.

پیش از این سخنگوی شهردار تهران در دفاع از برخورد شهرداری با خانه اندیشمندان به سایت خبری روابط‌عمومی شهرداری گفته بود: بر اساس مستندات و مشاهدات، بسیاری از اتاق‌ها و فضاهای این خانه خالی بوده و تبدیل به انباری و محل جمع‌آوری وسایل شده است و تنها از چند اتاق محدود استفاده می‌شده است. از سوی دیگر این ظرفیت در حقیقت تنها در اختیار یک جریان خاص قرار داشته است. این در حالی است که به‌سادگی و سهولت می‌توان این ظرفیت را با یک فرایند شفاف در اختیار دیگر گروه‌های دانشجویی و هیئت‌های اندیشه‌ورز قرار داد.

درحالی‌که بیشتر اعضای شورای شهر در جریان این حوادث هستند و حتی مهدی اقراریان در محل خانه اندیشمندان حاضر شده، تنها ناصر امانی در گفت‌وگو با برخی از رسانه‌ها تأکید کرده شهرداری روند قانونی بازپس‌گیری را طی نکرده و سایر اعضا ترجیح داده‌اند نسبت به این اتفاقات موضع‌گیری نکنند.

امانی گفته است که برابر روال عادی معمولا درباره این سری املاکی که در اختیار مؤسسات و مجموعه‌های فرهنگی قرار می‌گیرد، قراردادهایی وجود دارد. این قرارداد هم ظاهرا از دهه ۹۰ بین هیئت امنای خانه اندیشمندان و شهرداری تهران منعقد شده است. ظاهرا مدت این قرارداد هم نامحدود است؛ یعنی زمانی برای آن مشخص نشده است. حالا به هر دلیلی اگر شهرداری تصمیم گرفته است که این خانه را توسعه دهد تا دیگران هم حضور پیدا کنند یا مدیریت آن را جابه‌جا کند، طبعا باید در ابتدا اخطار کتبی صادر می‌کرد و همچنین مهلتی به مدیریت خانه داده می‌شد و اگر تمکین نمی‌کردند، باید از طریق مراجع قضائی نسبت به حکم تخلیه یا جابه‌جایی اقدام می‌کرد. این شکلی که شهرداری مستقیم بدون طی این مراحل به این مرکز مراجعه کرده، به نظر قابل دفاع نیست و ما این روش را نمی‌پسندیم.

اما مهدی صادقی‌کجانی، مدیرکل مطالعات اجتماعی-فرهنگی شهرداری تهران، در دفاع از عملکرد شهرداری به روزنامه همشهری گفته است: ظرفیت خانه اندیشمندان علوم انسانی در ۱۳ سال گذشته که در اختیار یک گروه خاص بوده، به‌خوبی استفاده نشده و گاهی صرفا از آن به‌عنوان مجلس ترحیم و بزرگداشت اندیشمندان استفاده شده است.

مدیرکل مطالعات اجتماعی-فرهنگی شهرداری تهران با اشاره به خالی‌بودن بسیاری از اتاق‌ها و فضاهای این مجموعه و تبدیل آنها به انباری و محل جمع‌آوری وسایل مازاد ادامه داد: این خانه متعلق به چند میلیون شهروند تهرانی است، نه صرفا چند نفر محدود انحصارگرا. طبق حکمی که قاضی پرونده اعلام کرده است، ۲۰ روز دیگر به دوستان برای تخلیه ملک مهلت می‌دهیم؛ اما در مجموع ما اساسا قصد تخلیه ملک و اخراج دوستان را نداشته‌ایم. به دلیل احترام به حکم قاضی و تمکین از قانون، فعلا اقدام جدیدی در این مجموعه انجام نخواهیم داد و همچنان به حفظ و حراست از اموال عمومی شهروندان با حضور مدیرعامل و اعضای خانه اندیشمندان علوم انسانی و فعالیت مستمر آنها ادامه می‌دهیم.

احمد مسجدجامعی، عضو سابق شورای شهر تهران هم یکی از چهره‌هایی است که به خانه اندیشمندان رفته است؛ اولین مقصد بعد از بازگشت از سفر حج و تلاش کرده فضاهای گفت‌وگو را به صلح نزدیک کند.

او در یادداشتی هم تأکید کرده است «فلسفه خانه اندیشمندان علوم انسانی حائز اهمیت است. این خانه در دوره‌های مختلف شهرداری تهران با هر گرایش سیاسی فعال بوده است. در دوره‌هایی شهرداری و نهادهای فرهنگی به این خانه کمک می‌کردند و در دوره‌هایی حتی اگر کمکی هم نمی‌کردند اما هیچ‌گاه در روند حیات این خانه اختلالی ایجاد نشد و طی سال‌ها به فعالیت خود ادامه داد. هیچ‌گاه حاشیه‌ای نداشته و به دلیل استقلال در عمل نیز مورد توجه اندیشمندان و مردم قرار گرفته است. در واقع شاید بتوان گفت که فعالیت‌های فرهنگی همیشه مورد توجه و حمایت هر گروه سیاسی تا به امروز بوده است. آن‌طور که متوجه شدم، ایراد شهرداری فعلی تهران به خانه این است که تنها گروه‌های خاصی از اندیشمندان در این خانه حضور داشته و تمایل دارند از گروه‌های مدنظر خودشان نیز در این اندیشکده حضور داشته باشند و بنا بر تعطیلی نیست؛ اما نکته اینجاست که حوزه فرهنگ و هنر دستوری نیست و نمی‌شود دستور داد که افرادی باشند یا افرادی نباشند و بر این حوزه غلبه داشته باشند. دلیل موفقیت چنین نهادی، انتخابی‌بودن اعضای آن است و نه انتصابی‌بودن‌شان. به‌اضافه اینکه شهرداری تهران مراکز و سازمان‌های بسیار زیادی دارد که می‌تواند از حضور این افراد مدنظر خود در آنها استفاده کند».

نکته‌ای که محمد فاضلی، عضو هیئت علمی سابق دانشگاه شهید بهشتی، در گفت‌وگو با خبرآنلاین به آن اشاره کرده و گفته است: نماینده شهرداری گفتند نمی‌خواهند خانه اندیشمندان را تعطیل کنند، بلکه می‌خواهند استادان انقلابی و بسیجی در خانه اندیشمندان حضور پررنگ‌تری داشته باشند.

به نظر نمی‌رسد با واکنش‌های شهرداری به این زودی‌ها درباره خانه اندیشمندان توافقی صورت بگیرد؛ هرچند چهره‌های بزرگ حوزه فرهنگ و اندیشه در این مدت پیام‌های مشابه زیادی به مدیران شهری داده‌اند.

همه چیز درباره برگزاری اولین آزمون سراسری دانشگاه‌ها در سال ۱۳۴۸

کنکور زیر سایه آلن دلون

مهران موسوی‌خوانساری: «احمد امانی» اگر در قید حیات باشد حالا ۶۸ساله است. او ۱۴ سال داشت که در نخستین کنکور سراسری دانشگاه‌های ایران شرکت کرد. امانی فارغ‌التحصیل دبیرستان خوارزمی شمیران و فرزند یک بازنشسته فرهنگی بود و می‌خواست در رشته اقتصاد یا کشاورزی به تحصیلاتش ادامه دهد.

احمد امانی این شانس را داشت که جوان‌ترین شرکت‌کننده در تاریخی‌ترین کنکور ایران و یکی از حدود ۴۸ هزار داوطلب ورود به دانشگاه باشد که ۱۵ مرداد ۱۳۴۸ تجربه اولین آزمون ورودی سراسری به دانشگاه‌های کشور را از سر گذراند.

چهارشنبه پرتحرک ۵۴ سال پیش

روز چهارشنبه ۱۵ مرداد ۱۳۴۸ در حالی آغاز شد که به رسم معمول (که هنوز هم پابرجاست) اکران فیلم‌های جدید در سینماها نیز شروع می‌شد. آن روزها سینما کانون جنب‌وجوش در شهرها محسوب می‌شد و هر چهارشنبه سردر سینماها رنگ عوض می‌کرد و علاقه‌مندان هنرپیشه‌های مشهور وطنی و فرنگی برای دیدن آنها روی پرده نقره‌ای از بعدازظهر مقابل سینماها صف می‌کشیدند.

آن چهارشنبه اما نه از بعدازظهر بلکه از همان ساعت پنج، شش صبح، در خیابان‌های تهران و شش شهرستان کشور جنب‌وجوش زیادی به چشم می‌خورد. این تحرک هم نه در اطراف سینماها و به هدف دیدن روی دلفریب «آلن دلون» و بازی دلچسب «چارلز برانسون» در فیلم «خداحافظ رفیق» (یا آن‌طور که ترجمه شده بود «آخرین سکه») بلکه در اطراف ۹ حوزه امتحانی در تهران و حول‌وحوش دانشگاه‌های شهرستان‌های دیگر مشخص‌تر بود.

کسانی که اواخر دهه ۴۰ شمسی در جریان اخبار روز مملکت قرار داشتند، می‌دانستند که در آن صبح چهارشنبه گرم مردادماه قرار است نخستین کنکور ورودی ۱۲ دانشگاه و مدرسه عالی دولتی در ایران برگزار شود و این جنب‌وجوش غیرمعمول در شهرها درست به همین دلیل است.

اولین جلسه از اولین روز «نخستین کنکور سراسری دانشگاه‌ها و مدارس دولتی» از ساعت هشت صبح ۱۵ مرداد ۱۳۴۸ با حضور ۱۲هزارو ۹۶۴ شرکت‌کننده در تهران و چهارهزارو ۸۱۸ داوطلب در شهرستان‌های اصفهان، شیراز، مشهد، تبریز، اهواز و ارومیه برگزار شد. مورد امتحانی این حدود ۱۸ هزار نفر که عمدتا «دیپلم ادبی» بودند، «فلسفه، منطق و اخلاق» بود که می‌بایست تا ساعت ۹:۳۰ به سؤالات پاسخ می‌دادند. جلسه دوم کنکور هم در همین روز با حضور هشت‌هزارو ۱۹۱ نفر در تهران و سه‌هزارو ۵۲۸ نفر در شهرستان‌ها کلید خورد. اینها می‌بایست به سؤالات «عربی» پاسخ می‌دادند.

روز اول کنکور در حالی به پایان رسید که بیشتر ۱۷هزارو ۸۷۲ داوطلب شرکت‌کننده از مجموع حدود ۴۸ هزار داوطلب (دقیقش را بخواهید ۴۷هزارو ۸۷۵ نفر)، رضایتشان را از ساده‌بودن سؤالات ابراز می‌کردند. حتی آن‌طور که در گزارش روزنامه «اطلاعات» از روز اول کنکور سراسری آمده است، اغلب داوطلبان انتظار سؤالات مشکل‌تری را داشته‌اند و دو، سه نفر از داوطلبان دیپلمه رشته ریاضی معتقد بوده‌اند وقت امتحان آن‌قدر زیاد بوده که حوصله‌شان سر جلسه امتحان سر رفته است! با همه این توصیفات، ظاهرا متولیان تاریخی‌ترین کنکور کشور نمی‌خواسته‌اند حداقل برای روز اول نام بدی از خودشان به یادگار بگذارند. تازه این در حالی بود که آنها برای این روز، همه جوانب امنیتی را هم در نظر گرفته و لااقل در تهران کنکور را زیر پوشش بی‌سیم برگزار می‌کردند!

وزارت علوم این بی‌سیم‌ها را از پلیس قرض گرفته بود تا توسط آنها ارتباط حوزه‌های برگزاری کنکور در پایتخت را با یکدیگر و همچنین ستاد مرکزی در وزارتخانه برقرار کند. اتاق معاون وزارت علوم در روز ۱۵ مرداد ۱۳۴۸ به مرکز بی‌سیم تبدیل شده بود. خلاصه که اولین کنکور سراسری قرار بود بدون اما و اگر برگزار شود.

درس‌های کنکور اول

اولین کنکور در مجموع سه روز ادامه داشت؛ از صبح چهارشنبه ۱۵ مرداد ۱۳۴۸ تا بعدازظهر شنبه ۱۸ مرداد. روز اول در دو نوبت، نوبت اول به «فلسفه، منطق و اخلاق» و نوبت دوم به «عربی» گذشت. روز پنجشنبه در نوبت اول باید از ساعت هشت تا ۹ صبح به سؤالات «فارسی» پاسخ داده می‌شد و در نوبت دوم به سؤالات «زبان خارجی» که عمدتا انگلیسی و معدودی زبان‌های دیگر بود. نکته اینکه همه شرکت‌کنندگان روز اول ملزم به حضور در کنکور روز پنجشنبه هم بودند؛ چون سؤالات زبان فارسی و خارجی مشترک بین همه داوطلبان بوده است.

بعدازظهر پنجشنبه از ساعت ۱۴:۳۰، بیشتر از ۲۰ هزار نفر باید در کنکور «فیزیولوژی جانوری و گیاهی» شرکت می‌کردند و از ساعت ۱۷ هم امتحان «زمین‌شناسی و تکامل» آغاز می‌شدکه تا ساعت ۱۸:۱۵ ادامه داشت.

روز جمعه از ساعت هشت صبح داوطلبان باید کنکور «فیزیک» را از سر می‌گذراندند و از ساعت ۱۰:۳۰ امتحان «شیمی» آغاز می‌شد. بعدازظهر هم نوبت به «جبر و مثلثات» و «حساب استدلالی» می‌رسید.

صبح روز شنبه ۱۸ مرداد ۱۳۴۸ که آخرین روز اولین کنکور سراسری کشور محسوب می‌شد، ۲۰ هزار داوطلب باید به سؤالات «مکانیک، هندسه و مخروطات» پاسخ می‌دادند و در ساعت ۱۶ هم با جمع‌آوری برگه‌های سؤالات امتحان از ۹هزارو ۷۵۷ داوطلب درس «رسم فنی»، نخستین کنکور سراسری دانشگاه‌ها و مدارس دولتی کشور به‌طور رسمی خاتمه پیدا کرد.

مصححین و ماشین‌ها

شنبه ۱۸ مرداد که رو به شامگاه گذاشت، جهان از خبر سقوط واحد پول فرانسه و اختلال در بازارهای پولی در حیرت بود. در ایران اما برای آن ۴۷هزارو ۸۷۵ نفر که برای تصاحب هشت‌هزارو ۳۲۵ کرسی دانشگاه‌ها و مدارس عالی دولتی رقابت کرده بودند، نه این خبر و نه حتی خبر اینکه «در مریخ موجود زنده وجود دارد»(!) جلب توجه نمی‌کرد. برای اینها فقط یک چیز مهم بود؛ اینکه «اوراق آزمون» از چه زمانی تصحیح می‌شود و نتایج کنکور چه روزی اعلام خواهد شد.

از پایان اولین آزمون سراسری در بعدازظهر شنبه ۱۸ خرداد ۱۳۴۸، فقط ۲۴ ساعت زمان لازم بود تا تمهیدات تصحیح اوراق آغاز شود. این مرحله از روز یکشنبه ۱۹ خرداد ۱۳۴۸ با حضور ۵۰۰ استاد و دانشیار در محل دانشکده فنی تهران آغاز شد. این استادان در روزگاری که پنکه با مارک «سانیو» هزارو ۷۵۰ ریال و یک جفت «کفش ملی» مدل «اسنیکرز» ۱۳۰ ریال قیمت خورده بود، برای تصحیح هر ورقه علوم ۲۴ ریال و برای تصحیح هر ورقه ادبیات ۱۸ ریال حق‌الزحمه دریافت می‌کردند تا مرحله تصحیح اوراق کنکور را تا پایان مرداد به انتها برسانند.

علت طولانی‌شدن این مرحله، یکی این بود که اوراق امتحانی شهرستان‌ها نیز با هواپیما به تهران منتقل شده بود و در مرکز تصحیح می‌شد و دلیل دیگر به ازدیاد سؤالات و شیوه طراحی آنها مربوط می‌شد؛ به‌طوری‌که تعداد سؤالات در هر رشته به ۲۰ سؤال می‌رسید که تازه صد درصد آن هم تستی نبود، بلکه پاسخ بعضی سؤالات در حدود سه تا پنج سطر را شامل می‌شد و کنترل این پاسخ‌ها در عصری که از کامپیوتر خبری نبود، زمان‌بر می‌نمود.

البته تصور نکنید که سال ۱۳۴۸ کلا سالی به دور از فناوری‌های روز بوده است، بلکه در آن سال هم نقش «ماشین» در مراحل بعد از برگزاری کنکور چشمگیر بود.

در گزارش برگزاری اولین کنکور رسمی کشور آمده است که بعد از آنکه ۵۰ استاد و دانشیار کار تصحیح اوراق را به انتها رساندند، در اوایل شهریور این اوراق به اداره آمار تحویل داده شد تا توسط «ماشین الکترونیک» علائم رمز هر ورقه خوانده شده و نمرات داوطلب محاسبه شود. ماجرای علامت رمز روی اوراق هم این بوده که قبل از آنکه اوراق به دست مصححین برسد، برگه مشخصات داوطلب از روی ورقه کنده شده و تنها یک شماره رمز روی آن درج می‌شد که فقط توسط «ماشین» قابل خواندن بود تا به این ترتیب معلوم نشود چه کسی ورق امتحانی چه داوطلبی را تصحیح می‌کند. در مرحله بعد هم «ماشین» نمرات داوطلبان را جمع می‌کرد و قبولی آنها در هر رشته‌ای که انتخاب می‌کردند، بر حسب نمره‌ای که آورده بودند، اعلام می‌شد.

زن‌ها، مردها، اطبا و باورها

در اولین کنکور کشور در مجموع ۴۷هزارو ۸۷۵ نفر شرکت کردند. از این تعداد ۳۲هزارو ۶۸۵ نفر در تهران و مابقی در شش شهرستان به رقابت پرداختند. قریب به اتفاق داوطلبان هم برخلاف شرکت‌کنندگان این روزهای کنکور، پسر بودند که برای ۳۰ رشته تحصیلی ثبت‌نام کرده بودند. البته تعداد شرکت‌کنندگان دختر در بعضی رشته‌ها مانند هنرهای زیبا شامل نقاشی، مجسمه‌سازی، موسیقی و هنرهای تئاتری زیر نظر دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران از تعداد پسران بیشتر بود، درحالی‌که در رشته‌ای مانند «الهیات» متقاضی زن اصلا پذیرش نمی‌شد.

برای آنکه نسبت شرکت‌کنندگان پسر و دختر در این کنکور تاریخی بهتر دستتان بیاید، توجه کنید که در روز اول برگزاری کنکور در حوزه اصفهان، از سه‌هزارو ۹۸۸ داوطلب که در دانشگاه این شهر با یکدیگر به رقابت پرداخته بودند، سه‌هزارو ۳۰۰ نفر پسر و تنها ۶۸۸ نفر دختر بودند!

از سویی برای بعضی رشته‌ها مانند «تربیت‌بدنی» یک مرحله آزمون جسمانی هم برای قبول‌شدگان در نظر می‌گرفتند. «رشته‌های پزشکی و امور مربوط به طب» با پذیرش هزارو ۷۵ نفر، بیشترین تعداد دانشجو را به خود اختصاص می‌دادند و رشته «روان‌شناسی هم با پذیرش فقط ۷۵ نفر در رده آخر رشته‌ها از نظر پذیرش دانشجو قرار داشت». بریده‌ای از جامعه آن روزگار: اهمیت‌دادن بسیار به «طب» و تردیدداشتن درباره برخی رشته‌های نسبتا نوظهور.

دراحوالات داوطلبان و والدین

جدا از بحث رشته‌ها، ویژگی‌های شرکت‌کنندگان در اولین کنکور کشور هم در نوع خودش جالب بود. مثلا اینکه در سال ۱۳۴۸ مثل امروز با اینکه توصیه شده بود داوطلبان ۳۰ دقیقه پیش از آزمون به محل حوزه بروند، اما باز هم عده‌ای در دقیقه ۹۰ به حوزه‌های امتحانی می‌رسیدند تا نشان دهند ترک عادت در هر دوره‌ای در ذات ما جایی ندارد.

این در حالی بود که تعدادی اتومبیل در هر حوزه امتحانی آماده شده بود تا کسانی را که دیر به محل امتحان می‌رسیدند، برای اینکه پشت درهای بسته نمانند، به محل امتحان منتقل کنند. با همه اینها باز هم عده‌ای به اولین کنکور نرسیدند؛ چون از ساعت هشت گذشته درهای حوزه‌ها بسته شده و نام اینها به عنوان کسانی در تاریخی‌ترین کنکور کشور ثبت شد که نتوانستند در آن شرکت کنند.

در این میان، وضعیت والدین داوطلبان اولین کنکور سراسری کشور هم دور از توجه رسانه‌های آن روزگار نماند. چنان‌که روزنامه اطلاعات گزارش داده است داوطلبان کنکور در فاصله دو جلسه امتحان که در یک روز برگزار می‌شد، به باغ یا محوطه محل برگزاری کنکور می‌رفته‌اند و آنجا با والدین مشتاق و منتظرشان ملاقات می‌کرده‌اند. والدینی که در گفت‌وگوهایشان با خبرنگاران از آنها می‌خواستند به مسئولان وزارت علوم تأکید کنند برای مردودین کنکور سراسری وسیله تحصیل در رشته‌های فنی و حرفه‌ای را در سطح «تکنیسین» و «کمک‌مهندسی» مهیا کنند تا از «هرزرفتن نیروی انسانی این جوانان» جلوگیری شود.

اما جالب آنکه بعضی از همین والدین، خودشان هم داوطلب ورود به دانشگاه بودند؛ چنان‌که در شهر مشهد یکی از شرکت‌کنندگان در کنکور مردی ۴۶ساله دارای هشت فرزند بود که تصمیم داشت وارد دانشگاه شود، درحالی‌که دو نفر از فرزندانش یکی برای ورود به دانشگاه تبریز و دیگری برای ورود به دانشگاه اهواز ثبت‌نام کرده و هم‌زمان با پدرشان روی صندلی‌های کنکور نشسته بودند!

و سرانجام پایان ماجرا

یکشنبه ۱۶ شهریور ۱۳۴۸ اگر با پرداخت چهار ریال، یک نسخه از روزنامه «اطلاعات» آن روز را خریداری می‌کردید، می‌توانستید اسامی هفت‌هزارو ۳۱۹ نفر از قبول‌شدگان خوش‌شانس اولین کنکور رسمی ایران را در هشت صفحه ضمیمه این روزنامه بخوانید که باید خودشان را برای نشستن پشت میز و صندلی دانشگاه‌های کشور آماده می‌کردند.

چهار روز بعد هم اسامی سری دوم قبول‌شدگان که از آزمون‌های عملی و اختصاصی عبور کرده بودند، در همان روزنامه منتشر شد تا به این ترتیب پرونده «نخستین کنکور سراسری دانشگاه‌ها و مدارس دولتی» که از فروردین ۱۳۴۸ با طرح سؤالات باز شده بود، بعد از گذشت پنج ماه در ۲۰ شهریور همان سال بسته شود.

عکس: میلاد حمادی‌نسیم